

تبیین صفات شخصیت ماکیاولیایی بر اساس الگوی سه و پنج عاملی شخصیت

دکتر علی محمدزاده* / دکتر بهرام سرمست**

چکیده

افراد با ویژگی‌های ماکیاولیایی بالا همراه با بهره‌کشی‌های بین‌فردی از قبیل تملق و چاپلوسی، فاصله‌گیری عاطفی با دیگران که متأثر از فقدان اخلاق عرفی در آنان است مشخص می‌شوند. مروری بر ادبیات پژوهشی روشن می‌سازد که همبسته‌های بنیادی شخصیت در صفات شخصیت ماکیاولیایی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تبیین صفات شخصیت ماکیاولیایی بر اساس الگوی سه و پنج عاملی شخصیت انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت بود از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور تبریز و از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۲۰۳ نفر و با در نظر گرفتن توزیع جمعیتی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و با ابزارهای پژوهش مورد آزمون قرار خواهند گرفت. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های شخصیت ماکیاولیایی، فرم بلند شخصیت نئو و شخصیت آیزنک پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری تحلیل شدند. براساس الگوی ۳ عاملی، شخصیت ماکیاولیایی با روان‌آزرده‌گرایی و روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و با برون‌گرایی رابطه منفی دارد. بر اساس الگوی ۵ عاملی، شخصیت ماکیاولیایی با عامل روان‌آزرده‌گرایی رابطه مثبت دارد و با برون‌گرایی، توافق‌جویی و با وجدان بودن رابطه منفی دارد. متغیرهای شخصیتی پیش‌بین‌های مناسبی برای صفات ماکیاولیایی محسوب می‌شوند. یافته‌ها در راستای نشانه‌شناسی شخصیت ماکیاولیایی تفسیر شدند.

کلیدواژه‌ها

ماکیاولیسم، شخصیت، الگوی ۳ عاملی، الگوی ۵ عاملی.

a_mohammadzadeh@pnu.ac.ir

*دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
**استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۱. بیان مساله

ماکیاولیسم در حوزه‌های علوم سیاسی و اجتماعی با ویژگی‌هایی مانند ریا، بی اخلاقی، عدم تعهد ایدئولوژیکی و فرصت طلبی توصیف شده است. به نظر می‌رسد ویژگی‌های ماکیاولیایی بعنوان صفات شخصیتی در نظر گرفته می‌شوند که ممکن است در آن تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد. لذا، در دهه‌های گذشته و در حوزه روانشناسی مفهوم ماکیاولیسم بعنوان متغیر شخصیتی تعریف شده و بر این اساس «شخصیت ماکیاولیایی» مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد علاقه پژوهشگران بویژه در حوزه شخصیت قرار گرفته است (راتمن، ۲۰۱۲). افراد با ویژگی‌های ماکیاولیایی بالا همراه با بهره‌کشی‌های بین فردی از قبیل تملق و چاپلوسی، فاصله‌گیری عاطفی با دیگران که متأثر از فقدان اخلاق عرفی در آنان است مشخص می‌شوند (برژکی و همکاران، ۲۰۱۰؛ العین و همکاران، ۲۰۱۳). کریستی و گیس در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار به نقش باورهای ماکیاولیستی در ارتباطات اجتماعی اشاره نمودند و از آن پس اصطلاح ماکیاولیسم در پژوهش‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی به کار گرفته شده است. کریستی و گیس با این اعتقاد که باورهای افراد، شالوده تعاملات اجتماعی آنان را پی‌ریزی می‌نماید و در واقع نگرش‌های خاص در مورد طبیعت انسان، چگونگی رفتار با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به شناسایی عوامل ایجاد کننده تفاوت‌های فردی در ارتباطات اجتماعی کمک شایانی نمودند.

آن‌ها معتقدند که افراد ماکیاولیایی دارای چهار ویژگی مهم می‌باشند: ۱- فقدان عاطفه بین فردی در روابط بین فردی؛ ۲- فقدان نگرانی در مورد اخلاق عرفی؛ ۳- فقدان آسیب روانی واضح؛ ۴- تعهد ایدئولوژیکی پایین (کریستی، ۱۹۷۰). به نظر می‌رسد افراد ماکیاولیایی می‌توانند ذهن دیگران را به راحتی بخوانند و موقعیت‌های اجتماعی را به خوبی بفهمند (دیویس و استون، ۲۰۰۳؛ ژیبور و برژکی، ۲۰۱۲) و از این طریق آن‌ها را بر اساس انگیزش‌های درونی‌شان مورد بهره‌کشی قرار دهند. تحقیقات نیز نشان داده‌اند که افراد ماکیاولیایی در مهارت‌های ذهن خوانی یا نظریه ذهن توانایی بالایی دارند (دیویس و استون، ۲۰۰۳). از طرفی، شخصیت‌های ماکیاولیایی با ویژگی‌هایی مانند فقدان درگیری هیجانی با دیگران و گسلش عاطفی توصیف شده‌اند (راتمن، ۱۹۹۱). گسلش عاطفی آن‌ها شبیه به موارد مشاهده شده در دونقص عاطفی می‌باشد: الکسیتیمیا و بی لذتی. همچنین، این نوع گسلش عاطفی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا، افسردگی و اضطرابی نیز مشاهده شده است (منین و همکاران، ۲۰۰۹).

دامنسکیو و همکاران، ۲۰۱۰). علی، آموریم و چامورو، پری مازیک (۲۰۰۹) یکی از ویژگی‌های بارز ماکياوليست‌ها را سردی عاطفی و عدم صمیمیت در ارتباطات افراد معرفی می‌نمایند. نتایج پژوهش ساتون و کوگ (۲۰۰۱) نیز حاکی از اعتقاد ماکياوليست‌ها به عدم صداقت در انسان‌ها و نیز بی‌اعتمادی در روابط با دیگران است. پژوهشگران مذکور همچنین خاطر نشان می‌کنند که ماکياوليست‌ها از تاکتیک‌های تسلط یابی بر ذهن و فریب دیگران، بدون متأثر شدن از عواطف و هیجانات دیگران، استفاده می‌کنند. رایتسمن (۱۹۹۱) نیز سردی عاطفی یا عدم وابستگی سرد در ارتباط افراد را از خصوصیات بارز ماکياوليست‌ها معرفی کرده است. سردی عاطفی در ماکياوليست‌ها به شکل فقدان همدلی گرم که از ابعاد همدلی است، نمایان می‌شود. همدلی گرم اغلب به عنوان یک ویژگی چند بعدی که شامل ابعاد شناختی (همدلی سرد) و هیجانی (همدلی گرم) است، در نظر گرفته می‌شود. همدلی سرد به توانایی فرد برای ادراک وضعیت نیازمندی دیگران اشاره دارد و همدلی گرم یا بعد هیجانی همدلی، به انعکاس هیجانی حالات عاطفی دیگران در شخص اشاره دارد (تامسون و بارت، ۱۹۸۵). برخی معتقدند که شباهت‌هایی بین شخصیت‌های ماکياوليايي و ضد اجتماعی وجود دارد و بر این اساس دو مفهوم مذکور از ساختار مشابهی برخوردارند و شخصیت ماکياوليايي حالت غیربالینی شخصیت ضد اجتماعی می‌باشد (مک هوسکی و همکاران، ۱۹۹۸؛ لی و اشتون، ۲۰۰۵). با این وجود تحقیقاتی هم وجود دارند که معتقدند علی‌رغم شباهت‌هایی که بین شخصیت‌های ماکياوليايي و ضد اجتماعی وجود دارد، اما این دو ساختارهای روانی جداگانه‌ای هستند (پالوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ ویلیامز و پالوس، ۲۰۰۴).

به نظر می‌رسد افراد ماکياوليايي دارای صفات شخصیتی خاصی هستند که این صفات از نقطه نظر ویژگی‌های شخصیتی قابل بررسی هستند. دو رویکرد مهم در سنجش شخصیت الگوی سه عاملی آیزنک و الگوی پنج عاملی مک کری و کاستا می‌باشند. آیزنک معتقد بود که شخصیت از صفات یا عواملی تشکیل شده است که با روش تحلیل عاملی به دست می‌آیند. گرچه آیزنک برای آشکار کردن صفات شخصیت از تحلیل عاملی استفاده کرد ولی این روش را با آزمونهای شخصیت و تحقیقات آزمایشی که دامنه وسیعی از متغیرها را در بر می‌گرفتند، تکمیل کرد. نتیجه تلاش‌های آیزنک نظریه شخصیت مبتنی بر سه بعد است که به صورت ترکیبات صفات یا عوامل توصیف می‌شوند که می‌توان آن‌ها به عنوان «عوامل برتر یا فراعامل‌ها» در نظر گرفت. این سه بعد شخصیت عبارتند از: برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی؛

روان آزرده گرایبی در برابر ثبات هیجانی؛ روان پریشی گرایبی در برابر کنترل تکانه (یا عملکرد فراخود). از طرفی در حال حاضر چنین استدلال می‌شود که چند الگوی پنج عاملی وجود دارد، در این بین الگوی معرفی شده مک‌کری و کاستا که در پرسشنامه شخصیتی NEO-PI ارائه شده است پرکاربردترین الگوی پنج عاملی می‌باشد. تلاش برای طرح الگوی پنج عاملی که ممکن است به عنوان مدلی برای سازماندهی صفات از طریق اندازه‌گیری پرسش‌نامه‌ها مطرح شود، از دهه‌های قبل شروع شده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در یک سری از مطالعات، کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) پرسشنامه‌ای را برای ارزیابی خصوصیت پنج بعد مطرح شده در حیطه فرم درجه‌بندی گسترش دادند، این پرسشنامه با تلاش برای حرکتی در جهت متفاوت از دو عامل اساسی آیزنک (برون‌گرایبی و روان‌آزرده‌گرایبی) ساخته شد. بر اساس این الگو، پنج عامل یا حیطه اصلی شخصیت عبارتند از روان‌آزرده‌گرایبی، برون‌گرایبی، گشودگی، توافق‌جویی و باوجدان بودن. هر عامل شش جنبه یا مقیاس فرعی دارد.

مروری بر ادبیات پژوهشی روشن می‌سازد که همبسته‌های شخصیتی در صفات ماکیاولیایی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در یکی از اندک مطالعات منتشر شده در زمینه همبسته‌های شخصیتی ویژگی‌های ماکیاولیایی پالوس و ویلیامز (۲۰۰۲) نشان دادند که ویژگی‌های ماکیاولیایی با زیرمقیاس باوجدان بودن، توافق‌جویی رابطه منفی داشته و با ابعاد دیگر شخصیت رابطه معنی‌داری ندارد. همچنین، بر اساس الگوی شش عاملی شخصیت (هگزاکو) گزارش شده است که ویژگی‌های ماکیاولیایی با بعد صداقت-فروتنی رابطه منفی داشته و ابعاد دیگر ارتباط معنی‌دار ندارد (جونز، پالوس و دلروی، ۲۰۰۹). در همین راستا و با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ در پدیدآیی صفات شخصیت (گرگن، گالرس، لاک و میسرا، ۱۹۹۶) در کنار پذیرش نسبی بین فرهنگی ویژگی‌های بنیادین شخصیت، تا این تاریخ پژوهشی که در ایران همبسته‌های شخصیتی شخصیت ماکیاولیایی را بر اساس الگوهای معتبر بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سؤال انجام می‌گیرد که کدام صفات شخصیت با ویژگی‌های ماکیاولیایی رابطه دارند؟

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت بود از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور تبریز که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به

تحصيل بودند و از بين آنها نمونه‌اي به حجم ۲۰۳ نفر و با در نظر گرفتن توزيع جمعيتي به روش نمونه گيري طبقه‌اي انتخاب و با ابزارهاي پژوهش مورد آزمون قرار خواهند گرفت. آزمودني‌ها به تفكيك جنسيت، متشكل از ۱۴۵ نفر (۷۱/۴ درصد) زن با ميانگين سني ۲۸/۱۷ سال و انحراف معيار ۷/۴۵ و ۵۸ نفر (۲۸/۶ درصد) مرد با ميانگين سني ۳۱/۵۳ سال و انحراف معيار ۷/۶۳ بودند. ميانگين سني و انحراف معيار كل نمونه نيز به ترتيب ۲۹/۱۰ و ۷/۶۳ بود. دامنه سني شركت‌كنندگان هم ۲۰ تا ۵۶ سال بود. داده‌ها با استفاده از روش تحليل رگرسيون چند متغيري تحليل شدند.

ابزارهاي پژوهش عبارت بود از:

۱-۲. پرسشنامه شخصيت ماكياوليايي (Mach-IV): اين پرسشنامه توسط كريستي و گيس (۱۹۷۰) و به منظور سنجش ويژگي‌هاي ماكياوليايي ساخته شده است. اين مقياس داراي ۲۰ گويه مي‌باشد و در يك طيف ليكرت پنج درجه نمره‌گزارى مي‌شود. اين پرسشنامه از سه بعد تاكتيك‌هاي بين فردي، بدبيني نسبت به ماهيت انسان، عدم موافقت با اخلاقيات مورد اجماع تشكيل شده است. در فرهنگ اصلي پرسشنامه Mach-IV از خصوصيات روانسنجي مطلوبي برخوردار است. در پژوهش حاضر اعتبار همساني دروني به روش آلفاي كرونباخ ۰/۷۵ محاسبه شد.

۲-۲. پرسشنامه شخصيتي آيزنك فرم تجديد نظر شده (EPQ-R): اين پرسشنامه ۹۰ سؤال داشته و براي سنجش ابعاد شخصيت، روان آزرده گرايي، برون گرائي و روان پریشی گرايي در دامنه سني ۱۶-۷۰ سال مورد استفاده قرار مي‌گيرد. اين پرسشنامه نيز با جواب‌هاي بلي/خير پاسخ داده مي‌شود. در ايران كاوياني، پور ناصح و موسوي (۱۳۸۴) ضريب پايائي EPQ-R را با استفاده از روش بازآزمائي براي شاخص‌هاي، برون گرائي ۰/۹۲، دروغ سنجي ۰/۸۸، روان آزرده گرايي ۰/۸۹ و روان پریشی گرائي ۰/۷۲ به دست آورده‌اند. ضرايب پايائي بازآزمائي گزارش شده توسط سازندگان اصلي آزمون نيز اعدادي بين حداقل ۰/۷۶ براي شاخص روان پریشی گرايي و حداكثر ۰/۹۰ براي شاخص برون گرايي مي‌باشد (به نقل از كاوياني و همكاران، ۱۳۸۴). كاوياني و همكاران (۱۳۸۴) ضرايب روايي همزمان مقياس‌هاي EPQ-R را در ايران براي شاخص‌هاي برون گرايي ۰/۸۴، روان آزرده گرايي ۰/۷۳ و روان پریشی گرايي ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند.

۲-۳. نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-PI-R): این پرسشنامه ابزاری ۲۴۰ سوالی است که برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت (روان آزرده گرای، برون گرای، گشودگی، توافق جویی و با وجدان بودن) توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) ساخته شده است و به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای و در دامنه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای گزارش شده توسط آنان برای زیر مقیاس‌ها ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ بوده است. در ایران نیز حق شناس (۱۳۸۷) بر روی نمونه ۵۰۲ نفری ضرایب آلفای کرونباخ را برای ابعاد با وجدان بودن، توافق جویی، گشودگی، برون‌گرایی و روان آزرده گرای به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۷۱، ۰/۸۱ گزارش کرده است. همچنین، این آزمون از روایی همگرا و واگرای مناسبی برخوردار می‌باشد.

۳. یافته‌های تحقیق

میانگین نمرات کسب شده در متغیرهای پژوهش و همبستگی‌های شخصیت ماکیاولیایی با ابعادسه و پنج گانه شخصیت در جدول شماره (۱) خلاصه شده است. بر اساس اطلاعات جدول، شخصیت ماکیاولیایی با عامل‌های روان آزرده گرای و روان پریشی گرای الگوی ۳ عاملی رابطه مثبت و با عامل برون گرای آن رابطه منفی دارد. همچنین، بر اساس الگوی ۵ عاملی، شخصیت ماکیاولیایی با عامل‌های روان آزرده گرای رابطه مثبت و با عامل‌های برون گرای، توافق جویی و با وجدان بودن رابطه منفی دارد. در این الگو شخصیت ماکیاولیایی با عامل گشودگی رابطه‌ای ندارد.

به منظور تعیین دقیق‌تر رابطه، و نیز تشخیص سهم متغیرهای پیش بین در تبیین متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. ادامه تحلیل در دو مرحله انجام گرفت: در مرحله اول «الگوی سه عاملی شخصیت» به عنوان متغیر پیش بین و «شخصیت ماکیاولیایی» به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند، در مرحله دوم «الگوی پنج عاملی شخصیت» به عنوان متغیر پیش بین و «شخصیت ماکیاولیایی» به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند، در هر دو مرحله به علت تعدد متغیرهای پیش بین، فرض هم خطی بودن چندگانه برای سنجش استقلال متغیرهای پیش بین بررسی شد. نرم افزار شاخص تحمل و شاخص عامل تورم واریانس را به دست داد. میانگین شاخص تحمل متغیرها برای مراحل اول و دوم به ترتیب حداقل ۰/۸۳ و ۰/۸۵ و شاخص عامل تورم واریانس به ترتیب

تبيين صفات شخصيت ماکياوليايي بر اساس ...

حداقل ۱/۲۰ و ۱/۰۵ محاسبه شد. از اين رو مي توان پذيرفت که متغيرهاي پيش بين از يکديگر مستقل اند و هم خطي بودن چندگانه اتفاق نيافته است.

جدول (۱): ميانگين نمرات کسب شده و همبستگي ها در متغيرهاي پژوهش

متغير	ميانگين	انحراف معيار	ضريب همبستگي با صفات شخصيت ماکياوليايي
شخصيت ماکياوليايي	۳۲/۲۸	۷/۱	۱
روان آزرده گرايي (۳ عاملی)	۱۰/۶۴	۵/۲۱	۰/۴۶ (p < ۰/۰۰۱)
برون گرايي (۳ عاملی)	۱۳/۰۳	۳/۵۴	-۰/۲۳ (p < ۰/۰۰۱)
روان پریشی گرايي (۳ عاملی)	۳/۵۸	۲/۱۹	۰/۳۲ (p < ۰/۰۰۱)
روان آزرده گرايي (۵ عاملی)	۸۹/۶۹	۲۴/۱	۰/۴۰ (p < ۰/۰۰۱)
برون گرايي (۵ عاملی)	۱۰۵/۸۹	۱۷/۵۸	-۰/۲۸ (p < ۰/۰۰۱)
گشودگي (۵ عاملی)	۱۰۷/۳	۱۳/۳۱	۰/۰۷ (p < ۰/۳۰۸)
توافق جويي (۵ عاملی)	۱۲۰/۵۱	۱۲/۷۵	-۰/۳۸ (p < ۰/۰۰۱)
با وجدان بودن (۵ عاملی)	۱۲۵/۹۷	۱۸/۵۹	-۰/۳۴ (p < ۰/۰۰۱)

جدول شماره (۲) نتايج مرحله اول تحليل را نشان مي دهد.

جدول (۲): تحليل رگرسيون متغير شخصيت ماکياوليايي بر الگوي سه عاملی شخصيت

گام	متغير پيش بين	r	R ²	F	Sig.	B	β	t	Sig.
اول	روان آزرده گرايي	۰/۴۶	۰/۲۱	۵۵/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۰/۴۶	۷/۴۳	۰/۰۰۱
دوم	روان آزرده گرايي	۰/۴۸	۰/۲۳	۳۱/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۰/۳۹	۵/۸۸	۰/۰۰۱
	روان پریشی گرايي	۰/۵۱				۰/۱۵	۲/۳۵	۰/۰۲	

نسبت معنادار F در جدول ۲ نشانگر ارتباط معنادار بين متغير پيش بين و ملاک مي باشد. مطابق اطلاعات جدول فوق، از بين عوامل ۳ گانه الگوي سه عاملی شخصيت، عامل هاي روان آزرده گرايي و روان پریشی گرايي توان لازم براي ورود به معادله رگرسيونی جهت تبیین شخصيت ماکياوليايي را دارند. ضرايب حاصل از نتايج تحليل رگرسيونی حاکی از آن است که در گام اول ورود متغير «روان آزرده گرايي» به تنهائي مي تواند ۲۱ درصد تغييرات «شخصيت

ماکیاولیایی» را پیش بینی کند. در گام دوم، ورود متغیر «روان پریشی گرای» می تواند این مقدار را به ۲۳ درصد ارتقا دهد. جدول (۳) نتایج مرحله دوم تحلیل را نشان می دهد.

جدول (۳): تحلیل رگرسیون متغیر شخصیت ماکیاولیایی بر الگوی پنج عاملی شخصیت

گام	متغیر پیش بین	r	R ²	F	Sig.	B	β	t	Sig.
اول	روان آزرده گرای	۰/۴۰	۰/۱۶	۴۰/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۴۰	۶/۳۳	۰/۰۰۱
دوم	روان آزرده گرای			۳۵/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۳۴	۵/۴۴	۰/۰۰۱
	توافق جویی	۰/۵۱	۰/۲۶			-۰/۱۷	-۰/۳۱	-۵/۰۱	۰/۰۰۱
سوم	روان آزرده گرای			۲۶/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۰۸	۰/۲۸	۴/۳۵	۰/۰۰۱
	توافق جویی	۰/۵۳	۰/۲۸			-۰/۱۷	-۰/۳۱	-۵/۰۹	۰/۰۰۱
	برون گرای					-۰/۰۶	-۰/۱۷	-۲/۶۶	۰/۰۰۸

نسبت معنادار F در جدول شماره (۳) نشانگر ارتباط معنادار بین متغیر پیش بین و ملاک می باشد. مطابق اطلاعات جدول فوق، از بین عوامل ۵ گانه الگوی پنج عاملی شخصیت، عامل های روان آزرده گرای، توافق جویی، برون گرای توان لازم برای ورود به معادله رگرسیونی جهت تبیین شخصیت ماکیاولیایی را دارند. ضرایب حاصل از نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که در گام اول ورود متغیر «روان آزرده گرای» به تنهایی می تواند ۱۶ درصد تغییرات «شخصیت ماکیاولیایی» را پیش بینی کند. در گام دوم، ورود متغیر «توافق جویی» می تواند این مقدار را به ۲۶ درصد ارتقا دهد و در گام های سوم ورود متغیرهای «برون گرای» می تواند درصد واریانس های تبیین شده را به ۲۸ درصد افزایش دهند.

به منظور بررسی رابطه شخصیت ماکیاولیایی با حیطه های فرعی الگوی ۵ عاملی شخصیت ضرایب همبستگی پیرسون آن ها در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول (۴): ضرايب همبستگي شخصيت ماکياوليايي با حيطه‌هاي مربوط به عامل‌هاي ۵ گانه

حيطه‌هاي مربوط به عامل‌هاي ۵ گانه						شخصيت ماکياوليايي
حيطه‌هاي روان آزرده گرايي						
N6	N5	N4	N3	N2	N1	
**۰/۳۵	**۰/۱۸	**۰/۳۰	**۰/۴۵	**۰/۳۲	**۰/۲۷	
حيطه‌هاي برون گرايي						
E6	E5	E4	E3	E2	E1	
**۰/۳۰	-۰/۱۰	-۰/۱۲	**۰/۲۰	*-۰/۱۸	**۰/۱۸	
حيطه‌هاي گشودگي						
O6	O5	O4	O3	O2	O1	
۰/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۰۶	*۰/۱۴	
حيطه‌هاي توافق جوبي						
A6	A5	A4	A3	A2	A1	
*-۰/۱۴	۰/۱۲	**۰/۱۹	**۰/۳۰	**۰/۳۲	**۰/۴۱	
حيطه‌هاي با وجدان بودن						
C6	C5	C4	C3	C2	C1	
**۰/۲۴	**۰/۳۱	**۰/۲۵	**۰/۳۰	**۰/۲۰	**۰/۲۴	

* p < ۰/۰۰۵ ** p < ۰/۰۱

نتيجه‌گيري

پژوهش حاضر با هدف تبين شخصيت ماکياوليايي بر اساس الگوهاي ۳ و ۵ عاملی شخصيت انجام گرفت، نتايج نشان داد که بر اساس الگوی ۳ عاملی آيزنک، شخصيت ماکياوليايي با روان آزرده گرايي و روان پريشي گرايي رابطه مثبت و با برون گرايي رابطه منفي دارد. تحليل رگرسيوني نيز حاكي از آن بود که از بين عوامل ۳ گانه شخصيت آيزنک روان آزرده گرايي و روان پريشي گرايي از توان لازم جهت تبين شخصيت ماکياوليايي برخوردارند. مؤثرترين قلمرو مقياس‌هاي شخصيت تقابل سازگاري يا ثبات عاطفي با ناسازگاري است که توسط مقياس روان آزرده گرايي آيزنک سنجيده می‌شود. به نظر می‌رسد از ويژگي‌هاي مهم شخصيت‌هاي ماکياوليايي روان آزرده گرايي بالا باشد، و اين خود شايد تبين کننده برخي ويژگي‌هاي آنان مانند غلبه عواطف منفي و حالت‌هاي الکسيتيميك و بي لذتي باشد، حالت‌هايي که در طيف وسيعي از اختلالات روان آزرده وار نيز مشاهده می‌شود. (کاستا و مک

کری، ۱۹۹۲؛ منین و همکاران، ۲۰۰۹؛ دامنسکیو و همکاران، ۲۰۱۰). این یافته با یافته‌های مک هوسکی (۲۰۰۱) و علی و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد. روان پریشی‌گرایی ویژگی‌هایی مانند سردی عاطفی، رفتارهای ضداجتماعی و ناتوانی در همدلی با دیگران را در بر می‌گیرد و به نظر می‌رسد بیشتر با ویژگی‌های شخصیت‌های ماکیاولیایی در ارتباط باشند. مانند فقدان درگیری هیجانی با دیگران و گسلس عاطفی شخصیت ماکیاولیایی که توسط راتسمن (۱۹۹۱) توصیف شده است که به خوبی با مفهوم روان پریشی‌گرایی آیزنک همخوانی دارد. این یافته با تحقیقات و نظریه‌هایی که معتقدند شباهت‌هایی بین شخصیت‌های ماکیاولیایی و ضد اجتماعی وجود دارد و بر این اساس معتقدند که دو مفهوم مذکور از ساختار مشابهی برخوردارند (مک هوسکی و همکاران، ۱۹۹۸؛ لی و اشتون، ۲۰۰۵) همسو می‌باشد. در همین راستا، در بین شخصیت‌های بیزاری آور از لحاظ اجتماعی که کووالسکی (۲۰۰۱) بدان‌ها اشاره کرده است، سه مورد توجه بیشتری را از نظر پژوهشی به خود جلب کرده‌اند: ماکیاولیایی، خودشیفتگی و ضد اجتماعی (پالوس و ویلیلمز، ۲۰۰۲) علی‌رغم ریشه‌های متفاوت تشکیل دهنده این سه شخصیت که تحت عنوان مثلث تاریک شخصیتی از آنها نام برده می‌شود، در چند ویژگی مشترک هستند؛ هر سه شخصیت درجاتی از منش اجتماعی بدخواهانه همراه با گرایش‌های رفتاری در جهت ارتقا خود، سردی عاطفی، چندرویی، و پرخاشگری را دارا هستند (همان منبع). بر اساس پیشینه پژوهش بویژه در گروه‌های غیربالینی شواهد از همپوشی بین شخصیت ماکیاولیایی، خودشیفتگی و ضد اجتماعی حکایت دارد و ویژگی‌های مشترک بین آنها نیز ارتباط تنگاتنگی با مفهوم روان پریشی‌گرایی آیزنک دارد. رابطه روان پریشی‌گرایی با شخصیت‌های ماکیاولیایی، خودشیفتگی و ضد اجتماعی در تحقیقات مختلفی گزارش شده است (جاکوبویتز و ایگن، ۲۰۰۶؛ لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ پالوس و ویلامز، ۲۰۰۲؛ وسلکا، شرمر، مارتین و ورنون، ۲۰۱۰).

نتایج دیگر پژوهش حاضر نشان داد که بر اساس الگوی ۵ عاملی شخصیت شخصیت ماکیاولیایی با عامل روان آزرده‌گرایی رابطه مثبت دارد و این رابطه در حد بیشترین مقدار است. این یافته با یافته‌های حاصل از الگوی ۳ عاملی آیزنک نیز همسو می‌باشد. در این مرحله حیطه افسردگی (N3) عامل روان آزرده‌گرایی بیشترین ارتباط را با شخصیت ماکیاولیایی نشان داد و این حاکی از آن است که احتمالاً افراد ماکیاولیایی علاوه بر حیطه‌های متعدد روان آزرده‌گرایی گرایش‌های افسردگی بیشتری دارند و این یافته با بخشی از نشانه‌شناسی شخصیت

ماکیاولیایی مانند غلبه عواطف منفی همسو می‌باشد. در ارتباط با برون‌گرایی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که شخصیت ماکیاولیایی با برون‌گرایی رابطه منفی دارد و این افراد انسان‌های درون‌گرایی می‌باشند، بویژه اینکه شخصیت ماکیاولیایی بیشترین رابطه منفی را با حیطة عواطف مثبت برون‌گرایی نشان داد و این در تأیید یافته قبلی است و حاکی از غلبه هیجانات منفی در شخصیت ماکیاولیایی است. در ارتباط با گشودگی، نتایج حاکی از عدم رابطه با این عامل می‌باشد، اما در رابطه با حیطة تخیل عامل گشودگی، شخصیت ماکیاولیایی رابطه مثبت با این حیطة فرعی را نشان داد. لذا، شخصیت‌های ماکیاولیایی احتمالاً تصورات روشن و زندگی تخیلی فعالی دارند. این افراد به دنبال خیال، نه بعنوان یک سازوکار فرار بلکه برای ایجاد یک دنیای درونی زیبا و جالب علاقمندند. این یافته، با نتایج تحقیق پلارینی (۲۰۰۱) که نشان داده است افراد ماکیاولیایی دارای نمرات بالا در مقیاس تخیل (که بعد شناختی همدلی را می‌سنجد) هستند همسو می‌باشد، لذا یافته پژوهش حاضر تأیید کننده این دیدگاه نیز هست که شخصیت‌های ماکیاولیایی دارای هوش هیجانی بالا یعنی قدرت درک هیجانات در دیگران (که همدلی سرد نامیده می‌شود) اما ناتوانی در همدلی گرم با دیگران هستند. در ارتباط با شاخص توافق جویی، نتایج نشان دهنده رابطه منفی شخصیت ماکیاولیایی با این عامل شخصیت است و این بدین معناست که این افراد خود محور بوده و به قصد و نیت دیگران مظنون هستند و بیشتر اهل رقابتند تا همکاری. بویژه این که شخصیت ماکیاولیایی بیشترین رابطه منفی را با حیطة‌های اعتماد، رک‌گویی و نوع دوستی نشان داده است. بنابراین، این افراد بر این باور نیستند که دیگران درستکارند، و تمایل دارند کنترل دیگران را در دست داشته باشند، و انسان‌های نوع دوستی نبوده بلکه خودمحور و خودخواهند. این بخش از یافته‌ها با توصیف اولیه کریستی (۱۹۷۰) از ویژگی‌های افراد ماکیاولیایی مانند فقدان عاطفه بین فردی در روابط بین فردی، فقدان نگرانی در مورد اخلاق عرفی و تعهد ایدئولوژیکی پایین همسویی دارد. همچنین، این یافته با یافته‌های جاکوبویتز و ایگن (۲۰۰۶) و پالوس و ویلیمز (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. بر اساس نتایج، شخصیت ماکیاولیایی رابطه منفی با عامل باوجدان بودن دارد. لذا شخصیت‌های ماکیاولیایی در به کارگیری اصول اخلاقی زیاد دقیق نیستند و به احتمال زیاد این افراد لذت‌گرایی بیشتری دارند (مک کری و کوستا و بوش، ۱۹۸۶ ترجمه گروسی فرشی، ۱۳۸۰). عبارتی در این افراد نظارت وجدان بر کنش‌های فرد ضعیف بوده و پایبندی اندکی به اصول اخلاقی نشان می‌دهند. این بخش از یافته نیز با توصیفات کریستی (۱۹۷۰) از ویژگی‌های افراد

ماکیاولیایی و تحقیقاتی که نشان داده‌اند پایبندی به اصول اخلاقی و وجدان در شخصیت‌های ماکیاولیایی پایین است (جاکوبویتز و ایگن، ۲۰۰۶؛ جونز و همکاران، ۲۰۰۹) همسویی دارد. علی‌رغم رابطه‌هایی که مقیاس‌ها و حیطة‌های متعدد با شخصیت ماکیاولیایی نشان دادند، اما تحلیل رگرسیونی حاکی از آن بود که بطور کلی بر اساس الگوی ۳ عاملی، روان آزرده‌گرایی و روان پریشی‌گرایی دو پیش‌بین مهم شخصیت ماکیاولیایی بوده و ۲۳ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کنند و بر اساس الگوی ۵ عاملی روان آزرده‌گرایی، توافق‌جویی و برون‌گرایی پیش‌بین‌های مهم شخصیت ماکیاولیایی می‌باشند و ۲۸ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کنند. لازم به ذکر است که متغیرهای پیش‌بین غیر اختصاصی بوده و از نظر تشخیصی جنبه افتراقی برای شخصیت ماکیاولیایی ندارند.

پژوهش حاضر از دو نظر دارای محدودیت بود؛ یکی این که ابزارهای سنجش پژوهش طولانی بود (۳۵۰ گویه) و این مساله ممکن است با ایجاد خستگی در شرکت‌کنندگان، نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار داده باشد. دوم این که پژوهش حاضر در جامعه آماری دانشجویان عمدتاً کارشناسی صورت گرفت، از آنجایی که صفات ماکیاولیایی در جمعیت‌های با انگیزه پیشرفت بالا مانند مدیران ممکن است بیشتر از دانشجویان باشد (دالینگ، ویتاکرو و لوی، ۲۰۰۹)، لذا در تعمیم نتایج باید این محدودیت را در نظر گرفت، بر این اساس توصیه می‌شود نتایج پژوهش حاضر در این گروه‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

متغیرهای شخصیتی پیش‌بین‌های مناسبی برای صفات ماکیاولیایی محسوب می‌شوند، اما متغیرهای شخصیتی پیش‌بین، نقشی غیر اختصاصی در صفات ماکیاولیایی ایفا می‌کنند.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرحی با عنوان «همبسته‌های عمومی و مرضی شخصیتی شخصیت ماکیاولیایی» می‌باشد که در دانشگاه پیام نور به تصویب رسیده است، بدین وسیله از ریاست و اعضای شورای پژوهشی دانشگاه که از این پژوهش حمایت مالی کردند، قدردانی می‌گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بخشی پور، عباس؛ باقریان خسروشاهی، صنم (۱۳۸۵). «ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیزنک- فرم کوتاه (EPQ-RS)»، **مجله روانشناسی معاصر**، شماره ۲، صص ۱۲-۳.
- خواجه موگهی، ناهید (۱۳۷۳). «آماده سازی مقدماتی فرم فارسی پرسشنامه بالینی چندمحوری میلون- ۲ (MCMI-II)»، **پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی**، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- حق شناس، حسن (۱۳۸۵). **طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت**، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- کلویانی، حسین؛ پور ناصح، مهرانگیز؛ موسوی، اشرف سادات (۱۳۸۴). «هنجاریابی و اعتبار سنجی فرم تجدید نظر شده پرسش نامه شخصیتی آیزنک در جمعیت ایرانی»، **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۳۱۱-۳۰۴.

ب) منابع انگلیسی

- AlAin, S., Carré, A., Fantini-Hauwel, C., Baudouin, J., & Besche-Richard, C. (2013). "What is the Emotional Core of the Multidimensional Machiavellian Personality Trait?", **Frontiers in Psychology**, 4; pp. 1-8.
- Ali, F., Amorim, I.S. & Chamorro-Premuzic, T. (2009). "Empathy Deficits and Trait Emotional Intelligence in Psychology and Machiavellism", **Personality and Individual Differences**, 47:758-762.
- Bereczkei, T., Birkas, B., & Kerekes, Z. (2010). "The Presence of Others, Prosocial Traits: Machiavellism. A Personality Situation Approach", **Social Psychology**, 41: 238-245
- Choca, J.P., Vandenberg, E., & Shanley, L.A. (1997). "**Interpretive Guide to Millon Clinical Multiaxial Inventory**", Washington DC:APA.
- Christie, R. & Geis, F.L. (Eds.). (1970). **Studies in Machiavellianism**. London: Academic Press.
- Christie, R. (1970). "Why Machiavelli? In R. Christie & F. Geis (Eds.) ", **Studies in Machiavellianism**, New York: Academic Press, pp. 1-9.
- Costa, P.T., Jr., & McCrae, R.R. (1992). **Revised Neo Personality Inventory (NEO PI-R) and Neo Five- Factor Inventory (Neo-Ffi)**

- Professional Manual**, Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Czibor, A., & Bereczkei, T. (2012). "Machiavellian People's Success Results from Monitoring their Partners", **Personality and Individual Differences**, 53, pp. 202–206.
- Dahling, J.J., Whitaker, B.G., & Levy, P.E. (2009). "The Development and Validation of a New Machiavellianism Scale. **Journal of Management**, 35(2): 219-257.
- Davies, M., & Stone, T. (2003). "Synthesis: Psychological Understanding and Social Skills", **Individual Differences in Theory of Mind**, eds B. Repacholiand ,Slaughter , NewYork,NY: Psychology Press.
- Demenescu, L.R., Kortekaas, R., den Boer, J.A., & Aleman, A. (2010). "Impaired Attribution of Emotion to Facial Expressions in Anxiety and Major Depression", **Plos One**, 1, pp. 5, 12
- Gergen, K.J., Gulerce, A., Lock, A., & Misra, G. (1996). "Psychological Science in Cultural Context". **American Psychologist**, 51, pp.496- 503.
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). "The Dark Triad and Normal Personality Traits", **Personality and Individual Differences**, 40: 331–339.
- Jones, D.N., Paulhus, D.L., Delroy, L. (2009). " Machiavellianism", In Leary, Mark R. & Hoyle, Rick H. **Handbook of Individual Differences in Social Behavior**, New York/London: The Guilford Press, pp. 257–273.
- Lee, K., & Ashton, M.C. (2005). " Psychopathy, Machiavellianism, and Narcissism in the Five-Factor Model and the HEXACO Model of Personality Structure", **Personality and Individual Differences**, 38, pp. 1571–1582.
- McHoskey, J.W. (2001). "Machiavellianism and Personality Dysfunction", **Personality and Individual Differences**, 31:791–798.
- McHoskey, J.W., Worzel, W., & Szyarto, C. (1998). "Machiavellianism and Psychopathy", **Journal of Personality and Social Psychology**, 74, pp. 192–210.
- Mennin, D.S., McLaughlin, K.A., & Flanagan, T.J. (2009). "Emotion Regulation Deficits in Generalized Anxiety Disorder, Social Anxiety Disorder, and Their Co-occurrence", **Journal of Anxiety Disorders**, 23, pp.866–871.
- Paulhus, D.L., & Williams, K.M. (2002) "The Dark Triad of Personality: Narcissism, Machiavellianism, and Psychopathy", **Journal of Research in Personality**, 36, 556–563

- Pellarini, D. (2001). **The Charismatic Relationship: Leader Attributes in the Eyes of the Flower**, Unpublished manuscript, Department of Psychology, Macquarie University, Sydney, Australia.
- Rauthmann, J.F. (2012). "Towards Multifaceted Machiavellianism: Content, Factorial, and Construct Validity of a German Machiavellianism Scale", **Personality and Individual Differences**, 52: 345–351.
- Robinson, P.R. Shaver, & L.S. Wrightsman (Eds.), **Measures of Personality and Social Psychological Attitudes** (373-385), New York: Academic Press.
- Sutton, J. & Keogh, E. (2001). "Components of Machiavellian Beliefs in Children: Relationships with Personality", **Personality and Individual Differences**, 30: 137-148.
- Thompson, M.A. & Barnett, S. T. (1985). "The Role of Perspective-taking and Empathy in Children Machiavellianism, Prosocial Behavior and Motive for Helping", **Journal of Genetic Psychology**, 148 (3): 295-305.
- Williams, K. M., & Paulhus, D. L. (2004). "Factor Structure of the Self Report Psychopathy Scale (SRP-II) in Non-forensic Samples", **Personality and Individual Differences**, 37: 765–778.
- Wrightsman, L. S.(1991). "Interpersonal Trust and Attitudes Towards Human Nature", in **Measures of Personality and Social Psychological Attitudes**, eds J.P. Robinson, P.R. Shaver, and L.S. Wrightsman (New York, NY: Academic Press), pp. 373–385.
- Veselka, L., Schermer, J.A., Martin, R.A., & Vernon, P.A. (2010). "Relations between Humor Styles and the Dark Triad Traits of Personality", **Personality and Individual Differences**, 48: 772–774.

